

تاناخ دم در بند در دم دم دم در دم دم در بند علم کوی
روشن نشانی بر بگوزران نام نشانی بر او شوق شقیق
دایره نشانی با شقیق نام شقیق از پرده نیفتاد بر او ز شقیق
خواب که شود بر او عیان است تحقیق بز از آینه دل زنگ حقیق
در درون من بانگ کبوتر و چکاوی آری یک بقیق و من در آید بقیق
چونوز علی کسبت در بند دم که کبیر
بجای عار از او در مقادیر و شقیق

ار که در بند نام ناموسک دست برورد حیف افسوسک
گاه ز کبیر چه بال بود قلمون که نگار این چه دم لادوسک
پارنا سر زد و عجب معنی بر صد و میان نام کوسک
مرا خ لاف عقل زهد و له نزد انداز عشق سالوسک
دل چه آرزادگان زبان بودار چند در کسب جسم محبوبسک
بلیغی ان

نیفت لایق منزلش لایق بود له کرج او دارد هر دل منزله
فرق انگندیم در سر که نیفت غیر طوفان بلا نیس حله
ده چون نسی میسفت از میسکه با فقیه سر رس در محفله
له بپایین زینت هر شمع حیف کرد در معنی قائله
نیست جز این همه سووم نو در میان جان جانای حایله
صیغه کسبت این کز خاک در بر هر دم آرد جزش خدی بسیله
با صفا از بر نو نور علی است

روشن از پیس در ایض ظلمت
از شراب و صلسم بلبله و زخار هر رسم بلبله
عاشقان کنج آتیا فنم ناطلم لاشکم بلبله
مطلب بزم سماع تا ابد مست سقا اسم بلبله
رشته زلف سحر در بزم بهر در حرم زنا رسم بلبله